



Jurisprudential and Legal Analysis of the Scope of Claiming Loss of Profit in Iranian Civil Litigation and Judicial Practice, with a Comparative View of Egyptian Law

Mohammad Mirmohammadian ¹, Azizollah Fahimi ²

1. Master of Private Law, Faculty of Law, University of Qom; Qom, Iran/Level-4 Researcher in Imāmī Jurisprudence and Private Law, Islamic Jurisprudence, Law and Judiciary Complex, Iran (Corresponding Author), Email: narimanian77@gmail.com

2. Associate Professor, Department of Private Law, Faculty of Law, University of Qom, Qom, Iran, Email: aziz.fahimi.yahoo.com

Abstract

Loss of *lucrum cessans* (loss of expected profit) is a concept that may arise in a considerable number of civil disputes. Over the years, Iranian legislators have adopted sometimes conflicting rules regarding the scope of loss of profit and the possibility of claiming it; a contradiction that can be seriously criticized for reflecting either excess or deficiency in the legislator's approach. Provisions of the Iranian Civil Procedure Code of 1379 (2000) also contain expressions that, in terms of both their literal wording and their legal implication, appear inconsistent with one another, to the extent that the wording of some provisions seems to preclude the recovery of loss of profit. Nevertheless, in 2013, the legislator adopted a different approach—one that gave rise to new ambiguities and even further uncertainty. In this study, after clarifying the relevant doctrinal and legal concepts and examining the semantic scope of loss of profit, the manner in which the law deals with this concept is analyzed. Moreover, judicial practice is examined through a descriptive-analytical approach and in comparison with Egyptian law. The aim is first to delineate the doubtful boundaries of loss of profit in Islamic jurisprudence and positive law, and then to align them with statutory provisions while critically examining the objections raised against such provisions. In addition, the legislative trends and existing case law are analyzed and compared. The findings show the extent to which the approach of legislators and courts conforms to the foundations of Islamic jurisprudence and, ultimately, which approach is more appropriate for resolving legislative conflicts in the field of loss of profit under Iranian law. In this regard, the legislator's prohibition has largely been grounded in the perception of loss of profit as a form of contingent damage.

Keywords: Loss of Profit Damages Damage Expected Profits Claim for Damages

Received: 18/12/2025; **Revised:** 15/01/2026; **Accepted:** 02/02/2026; **Published online:** 16/03/2026

How To Cite: Mirmohammadian, M & Fahimi, A (2025). Jurisprudential and Legal Analysis of the Scope of Claiming Loss of Profit in Iranian Civil Litigation and Judicial Practice, with a Comparative View of Egyptian Law. *Private Law Doctrines of Islamic Countries*, 2(4), 69-92. <https://www.doi.org/10.22091/dplic.2026.15715.1101>

Published by: University of Qom

©The Author(s)

Article type: Research





University of qom

تحلیل فقهی و حقوقی قلمرو خسارت عدم‌النفع در دادرسی مدنی ایران با نگاهی به رویه قضایی ایران و حقوق مصر

محمد میرمحمدیان^۱، عزیزالله فهیمی^۲

۱. دانشجوی ارشد حقوق خصوصی، دانشکده حقوق دانشگاه قم، پژوهشگر سطح چهار رشته فقه و حقوق خصوصی مجتمع فقه حقوق و قضای اسلامی، دانشگاه قم، قم، ایران (نویسنده مسئول). رایانامه: narimanian77@gmail.com
۲. دانشیار گروه حقوق خصوصی دانشکده حقوق دانشگاه قم، قم، ایران. رایانامه: aziz.fahimi.yahoo.com

چکیده

خسارت عدم‌النفع از مفاهیمی است که در بخش قابل توجهی از دعاوی مدنی قابل تصور است. قانون‌گذاران ایران طی سال‌ها مقرراتی گاه متعارض درباره قلمرو عدم‌النفع و امکان مطالبه آن وضع کرده‌اند؛ تعارضی که از حیث افراط یا تفریط در رویکرد مقنن، قابل نقد جدی است. در مواد قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ نیز تعبیراتی مشاهده می‌گردد که از جهت منطوق و مفهوم با یکدیگر ناسازگارند تا جایی که ظاهر برخی مواد بر عدم امکان مطالبه عدم‌النفع دلالت دارد. با این حال، قانون‌گذار در سال ۱۳۹۲ رویکردی متفاوت اتخاذ کرد؛ رویکردی که موجب پدید آمدن اجمال و حتی ابهام‌های تازه شد. در این پژوهش، پس از تبیین مفاهیم فقهی و حقوقی مرتبط و بررسی دامنه معنایی عدم‌النفع، نحوه مواجهه قانون با این مفهوم تحلیل می‌شود. همچنین، رویه قضایی با رویکردی توصیفی-تحلیلی و تطبیقی با حقوق مصر مورد تحلیل قرار می‌گیرد. هدف، نخست روشن ساختن حدود مشکوک عدم‌النفع در فقه و حقوق و سپس تطبیق آن با مقررات قانونی و واکاوی انتقادات وارد بر این مقررات است. علاوه بر آن، روندهای تقنینی و رویه موجود نیز تحلیل و مقایسه می‌شود. نتایج نشان می‌دهد میزان انطباق رویکرد قانون‌گذاران و رویه محاکم با مبانی فقه اسلامی تا چه اندازه است و درنهایت، چه رویکردی برای رفع تعارضات تقنینی در حوزه عدم‌النفع در حقوق ایران مناسب‌تر است. در این میان، منع قانون‌گذار، اغلب بر تلقی وی از عدم‌النفع به مثابه «خسارت احتمالی» استوار بوده.

واژگان کلیدی: عدم‌النفع، خسارت، ضرر، منافع ممکن الحصول، مطالبه خسارت.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۹/۲۷؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۴/۱۰/۲۵؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۱/۱۳؛ تاریخ انتشار برخط: ۱۴۰۴/۱۲/۲۵
استناد: میرمحمدیان، محمد و فهیمی، عزیزالله. (۱۴۰۴) تحلیل فقهی و حقوقی قلمرو خسارت عدم‌النفع در دادرسی مدنی ایران با نگاهی به رویه قضایی ایران و حقوق مصر، *آموزه‌های حقوق خصوصی کشورهای اسلامی*، ۲(۴)، ۹۲-۶۹. <https://www.doi.org/10.22091/dplic.2026.15715.1101>



مقدمه

این پژوهش به بررسی جامع و دقیق مسئله «رویکرد تقنینی در قلمرو مطالبه خسارت عدم النفع در نظام دادرسی مدنی ایران» می‌پردازد. این موضوع مستلزم کاوشی عمیق در مبانی نظری و فقهی پذیرش یا رد این نوع خسارت، تحلیل دقیق مقررات قانونی مرتبط در حقوق ایران و همچنین مطالعه تطبیقی با نظام حقوقی کشور مصر است. بخش حیاتی این تحقیق، نگاهی موشکافانه به رویه قضایی ایران در قبال دعاوی مربوط به عدم النفع خواهد بود. بنابر اصل بنیادین حقوقی، «هیچ خسارت جبران نشده‌ای نباید باقی بماند» خسارت عدم النفع، از صور خسارت است. عدم النفع اقسام و مصادیق متعددی است. گام نخست، تبیین ماهیت خسارتی عدم النفع و اقسام و مصادیق آن است. برخی حقوق دانان، اساساً منکر خسارت شمردن عدم النفع هستند. تلاش بر این خواهد بود تا تعارض اولیه میان دیدگاه‌ها مرتفع گردد و یا مبنایی مستدل برای جمع میان نظرات موافق و مخالف ارائه شود. علاوه بر این تعیین دقیق ارکان، آثار حقوقی و مصادیق عینی خسارت عدم النفع در فرایند دادرسی، از ضرورت‌های بنیادین این تحلیل به شمار می‌رود.

مسئله اصلی این پژوهش عبارت است از: آیا با وجود ظاهر تبصره ۲ ماده ۵۱۵ ق.آ.د.م، می‌توان خسارت عدم النفع را در حقوق ایران قابل مطالبه دانست؟ در صورت مثبت بودن، حدود آن چیست؟ فرضیه پژوهش آن است که منع مقرر در تبصره ۲ ماده ۵۱۵ ق.آ.د.م ناظر به عدم النفع احتمالی، موهوم و غیرمستقیم است و نباید به منافع مسلم، عرفاً قابل حصول و قابل استناد به فعل زیانبار تسری داده شود. بنابراین، هرگاه فوت منفعت واجد شرایط عمومی ضرر قابل جبران، یعنی مسلم، مستقیم، قابلیت تقویم مالی، مشروعیت منفعت و رابطه سببیت باشد، مطالبه آن با مبانی فقهی ضمان و قواعد مسئولیت مدنی سازگار است. اهمیت این پژوهش از چند جنبه قابل توجه است:

۱. ابهام‌های قانونی و رویه‌ای: مقررات فعلی در حقوق ایران پیرامون خسارت عدم النفع، با وجود تبصره ۲ ماده ۵۱۵ قانون آ.د.م، با تعارضاتی مواجه است. این ابهام‌ها با رویکردهای متناقض قانون‌گذار تشدید شده، منجر به صدور آرای قضایی ناهماهنگ شده. بنابراین، تبیین مبانی حقوقی و رویه‌ای پذیرش این خسارت در نظام قضایی ایران ضروری است؛ ۲. ارائه معیارهای شفاف و مستدل برای تشخیص موارد قابل مطالبه خسارت عدم النفع، برای تحقق عدالت مدنی لازم است؛ ۳. اهمیت مطالعه تطبیقی: بررسی رویکرد نظام‌های حقوقی دیگر به‌ویژه مصر، می‌تواند راهگشای یافتن راه‌حلی نوآورانه برای چالش‌های حقوق ایران باشد. مقایسه مبانی فقهی و حقوقی این دو کشور، غنای پژوهش را افزوده و امکان استنباط قواعد کارآمدتر

را فراهم می‌سازد؛ ۴. پیوند با مبانی فقه امامیه: تطبیق عدم‌النفع با موازین شرعی و سنجش میزان انطباق آن‌ها، در تعمیق درک نظری و عملی موضوع کمک شایانی می‌کند؛ ۵. تأثیر بر رویه قضایی و احقاق حقوق: تحلیل وضعیت حقوقی خسارت عدم‌النفع و ارائه راهکار برای رفع تعارضات موجود، به اصلاح رویه قضایی، کاهش دعاوی غیرضروری و تضمین حقوق منجر می‌گردد. چراکه تعیین قلمرو عدم‌النفع تأثیر مستقیمی بر احقاق حقوق دارد.

در خصوص مفهوم «عدم‌النفع»، مطالعات متعددی صورت گرفته. در حوزه پایان‌نامه‌ها، می‌توان به آثاری همچون پایان‌نامه «آسایش اردکانی» با عنوان «مقایسه عدم‌النفع و تقویت منفعت در حقوق ایران و فقه امامیه» و همچنین پژوهش «مقدم» تحت عنوان «منافع ممکن الحصول و قطعی الحصول در نظام مسئولیت مدنی ایران و فقه امامیه» اشاره کرد که به تفصیل به تمایز میان انواع منافع و مبانی نظری آن‌ها پرداخته‌اند. در زمینه بررسی رویه قضایی ایران پیرامون خسارت عدم‌النفع، رساله «کمال آرانی» با عنوان «تحلیل و بررسی رویه قضایی نظام حقوقی ایران پیرامون عدم‌النفع با توجه به قوانین جدید» گام مهمی در این راستا برداشته است. همچنین، مقاله‌ای نظیر «مطالعه تطبیقی عدم‌النفع در فقه و قوانین آیین دادرسی ایران» نوشته «شهبازی، اکبری دهنو و حاجیان» (مجله حقوقی دادگستری، بهار ۱۴۰۲)، به جنبه‌های تطبیقی این موضوع پرداخته و ارتباط آن را با مبانی فقهی و حقوق موضوعه ایران مورد کنکاش قرار داده‌اند. همچنین مقاله‌ای با عنوان «نظریه جبران خسارت عدم‌النفع محقق الحصول در فقه امامیه» نوشته «نقیبی و زارچی پور» در مجله جستارهای فقهی و اصولی نگارش یافته که رویکرد فقهی محض دارد.

در نوآوری تحقیق با وجود این مطالعات ارزشمند، به نظر می‌رسد **خلاتی پژوهشی** در خصوص «قلمرو خسارت عدم‌النفع در دادرسی مدنی» با نگاهی تحلیلی و پیشنهادی، به ویژه با تمرکز بر رویه قضایی محاکم ایران، وجود دارد. درحالی‌که پژوهش‌های پیشین به جنبه‌های کلی عدم‌النفع، انواع منافع، بدون تمرکز بر رویه دادرسی مدنی پرداخته‌اند، کمتر اثری به‌صورت جامع و تحلیلی، ابعاد مطالبه خسارت عدم‌النفع را در چارچوب فرایند دادرسی مدنی، همراه با ارائه راهکارهای پیشنهادی و مطالعه تطبیقی سه‌گانه (ایران و مصر و فقه امامیه) مورد بررسی قرار داده است. مصر کشوری است که می‌تواند چشم‌انداز روشنی برای حقوق ایران فراهم آورد. این پژوهش با هدف پر کردن این خلأ، بر آن است تا با نگاهی نو توأمان به این موضوع بپردازد. این پژوهش با تمرکز بر شکافی مغفول در دادرسی مدنی، به‌طور خاص به تحلیل و ارائه راهکارهای عملیاتی برای جبران «خسارت عدم‌النفع» در فرایند رسیدگی قضایی می‌پردازد. کاربست اصول فقه در رفع تعارض نوآوری دیگر تحقیق است. برخلاف مطالعات پیشین که اغلب به مبانی نظری عدم‌النفع پرداختند،

نوآوری این تحقیق در رویکرد تحلیلی چندجنبه‌ای آن نهفته است که با انجام یک هم‌افزایی تطبیقی تعمیقی، به دنبال بازآفرینی رویکردی کارآمد برای تحقق عدالت کامل در مطالبه عدم‌النفع دادرسی مدنی است. هدف تحقیق، رفع تعارض مواد قانونی، استخراج معیار قابل مطالبه بودن، تحلیل رویه قضایی و تطبیق رویه بر دیدگاه برتر فقهی است.

۱. مفاهیم و مبانی نظری خسارت عدم‌النفع

۱-۱. مفهوم‌شناسی

مفهوم منفعت: در لغت به معانی «بهره و سود» آمده (دهخدا، ۱۳۸۹: ج ۸: ۱۱۵). در اصطلاح حقوق، با اینکه نفع و منفعت از یک ریشه هستند اما تفاوت دارند. نفع سودی است که از معامله ایجاد می‌شود. اما «منفعت» مال ایجاد شده از عین مال است. منفعت موضوع عقد اجاره است. اما نفع ارزش‌افزوده مالی است که اغلب با معامله تحصیل می‌گردد. نفع نقطه مثبت و ضرر نقطه منفی سود است (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۴: ۲۲۷). بنابراین منافع شیء مادی نیست و تنها در عالم اعتبار، موجودیت آن تصور می‌گردد. به عبارتی استفاده از عین است.

عدم‌النفع: ^۱ تعریف آن از نفع روشن شد (معین، ۱۳۸۴، ج ۵: ۱۱۰). در لغت، عدم‌النفع یک لغت مرکب است و به معنای نبود نفع به معنای سود است. در اصطلاح، در حقوق برخی آن را از اقسام ضرر دانستند (امامی، ۱۳۹۵: ج ۱، ۲۴۳؛ عدل، ۱۳۹۵: ۱۱۲؛ کاتوزیان، ۱۳۹۲: ۲۴۴). برخی به «مانعت از ایجاد نفعی که مقتضی وجود آن ایجاد شده.» تعریف کردند. مثال حقوقی الف. کندن شکوفه درختان مقتضی میوه است؛ ب. توقیف غیرقانونی کارگر که سبب سوخت حقوق وی می‌گردد.

عدم‌النفع احتمالی یا موهوم: سودی که صرفاً احتمال تحصیل آن وجود داشته و هنوز مقتضی عرفی آن کامل نشده است. فرض این است این نوع اصولاً قابل مطالبه نیست.

تقویت منفعت محقق یا مسلم: منفعتی که زمینه عرفی و حقوقی تحقق آن فراهم بوده و فعل خواننده مانع تحقق آن شده است. این مورد محل اصلی بحث مقاله است.

منافع ممکن‌الحصول: در حقوق کیفری ایران، طبق ماده ۱۴ ق.آ.د.ک قابل مطالبه دانسته شده، اما تبصره ۲ همان ماده آن را محدود به مواردی می‌کند که «صدق اتلاف» نماید. ماده ۱۴ به‌صراحت امکان مطالبه ضرر و زیان مادی، معنوی و منافع ممکن‌الحصول ناشی از جرم را پذیرفته.

۲-۱. صور مفاهیم

۱-۲-۱. اقسام منافع

«منفعت» نقطه مثبت و مقابل «عدم‌النفع» است. برخی تقسیمات که در مسئله تحقیق مؤثر است، تحلیل می‌گردد. منافع ممکن‌الحصول: در اصطلاح منافی است که امکان حصول آن محقق است (امامی، ۱۳۵۲: ج ۱: ۴۰۷). مفهوم مذکور در مقابل دو مفهوم به کار می‌رود: گاهی معنای اعم در مقابل منافع غیرقابل حصول به کار می‌رود که شامل منافع ممکن‌الحصول و قطعی‌الحصول می‌گردد. گاهی معنای خاص در مقابل منافع قطعی‌الحصول به کار رفته است. به عبارتی ممکن‌الحصول گاهی مقابل معنای عدمی ممتنع‌الحصول و گاهی مقابل قطعی‌الحصول به کار می‌رود. مثال منافع ممکن‌الحصول، ایجاد مانع در نهر ورودی آب در باغی که درختانش هر سال بار میوه خوبی داشت، است. بنابراین «منافع ممکن‌الحصول» مفهومی مشابه اما جدای از «عدم‌النفع» است.

منافع ممکن‌الحصول دو معنا استعمال دارد. اول در مقابل منافع قطعی‌الحصول و دیگری مقابل عدم‌النفع. ماده ۱۴ قانون آ.د.ک منافع ممکن‌الحصول را نیز قابل مطالبه می‌داند. اما تفاوت اصلی «منافع ممکن‌الحصول» با «عدم‌النفع» دارد: منافع ممکن‌الحصول منافی است که مقتضی وجود آن‌ها حاصل شده؛ اما اگر مقتضی منفعت به وجود نیامده باشد عدم‌النفع نامیده می‌شود. به‌عنوان مثال سود حاصل در تبدیل شکوفه به میوه و آرد که فرد در تحویل به نانوا کوتاهی کرده است. واژه منافع ممکن‌الحصول ماده ۱۴ ق.ا.د.ک از این نوع است. از سویی منافع قطعی‌الحصول، از طریق قیاس اولویت، قابل مطالبه است (اصفهان‌ی، ۱۴۰۴: ۳۸۶).

۲-۲-۱. اقسام عدم‌النفع

برخی «تفویت منفعت» را نسبت به ضرر آینده دانستند. نمونه تفویت منفعت در غصب است. مؤلفه تفویت منفعت، ممانعت از منافع عین مشخصی است. منفعت فوق نیز به در مقابل عین است. در قانون سابق ماده ۷۲۸ قانون آ.د.م. مصوب ۱۳۱۸، فوت منفعت به کار رفته بود که در قانون جدید ۱۳۷۹ به «عدم‌النفع» تغییر کرد. برخی حقوق‌دانان معتقدند ضرر مالی شامل فوت منفعت است و در مقابل آن ضرر معنوی که زیان به حقوق و ارزش‌های غیرمالی است جای می‌گیرد (صفایی و رحیمی، ۱۴۰۴: ۱۲۰، ش ۷۳). خسارت مازاد بر دیه، مفهوم دیگری است که مرتبط با عدم‌النفع است، اما متفاوت است. اقسام عدم‌النفع که با مسئله تحقیق همگام است عبارت‌اند از:

عدم النفع مسلم و محقق: «فوت منفعتی که اگر فعل معین ایجاد نمی‌شد، بی‌شک آن منفعت به متضرر نمی‌رسید و فعل مزبور سبب منحصر نرسیدن منفعت شده است.» (امامی، ۱۳۵۲: ج ۱: ۴۰۷). بنابراین آن مانع، «علت انحصاری» مانعیت منفعت است.

عدم النفع محتمل: «فوت منفعتی که هرگاه فعل معین موجود نمی‌شد، احتمال داشت عائد طرف شود.» (امامی، ۱۳۵۲: ج ۱: ۴۰۷). طبق دیدگاه برخی، عدم النفع خسارت محتمل نیز، جز عدم النفع هست (مدنی، بی‌تا: ۲۶). دیدگاه دوم و نگارنده، ورود موضوعی است. در نتیجه خسارت عدم النفع، از حیث موضوع فقط شامل عدم النفع قطعی دانسته شود. دیدگاه سوم «دین طبیعی» شمردن عدم النفع است. به عبارتی احتساب «عدم النفع احتمالی» جز «عدم النفع» است؛ اما قابل مطالبه حقوقی نباشد. نظم عمومی مؤیدی بر دیدگاه مذکور است.

۳-۱. مبانی و مؤلفه‌های خسارت شمردن عدم النفع

برای فهم دقیق موضوع ابتدا باید مطالبی مقدماتی از مسئولیت مدنی و انواع ضرر و شرایط مطالبه خسارت به موجب ضرر مورد تبیین قرار گیرد.

۱-۳-۱. لکان و مبانی مسئولیت مدنی

مسئله نخست، شمول «قاعده تلف» است «من اتلف مال الغیر فهوله ضامن» (عاملی، بی‌تا: ۶۱۰). در مورد دایره لفظ «مال». آیا مال فقط به مال موجود شامل می‌گردد یا با تفسیر اعم، شامل منافع و خسارات و ضرر آینده نیز می‌گردد؟ در یک تقسیم‌بندی مال را به عین و منفعت تقسیم می‌کنند. کاتوزیان معتقد است در خسارت مسلم تفاوتی میان مال از دست رفته و منفعت تلف شده نیست (کاتوزیان، بی‌تا: ۲۷۸، ش ۱۰۹). حقوق دانان عدم النفع را جزو ضررهای مادی حساب کردند. منظور از ضررهای مادی، ضررهای محسوس به اموال یا تمامیت جسمی است که ممکن است این ضرر ناشی از تلف شدن باشد. (داراب‌پور، ۱۳۹۹: ۱۰۰). مبانی عدم النفع در فقه: ۱. اتلاف و تسیب؛ ۲. احترام مال مؤمن؛ ۳. ضمان ید؛ ۴. بنای عقلا؛ ۵. مالیت عرفی منفعت؛ ۶. قاعده لاضرر. فقها در پذیرش این مبانی و عدم پذیرش آن دو گروه شده‌اند. ملاک مال و ضرر شمردن عدم النفع است که در صورت اثبات می‌بایست شمول مبانی فوق قرار گیرد و حکم به ضمان داد.

۱-۳-۲. انواع ضرر و شرایط ضرر قابل جبران

مفهوم ضرر: در لغت، مترادف‌هایی بیان شده: «سوء الحال» (ابن منظور، ۱۴۰۵ق: ج ۴: ۴۸۲)، «نقصانی که در چیزی وارد می‌شود» (فراهیدی، ۱۴۰۹ق: ج ۷: ص ۷) «ضد النفع»، (ابن منظور، ۱۴۰۵ق: ج ۴: ۴۸۲). اما در اصطلاح، ضرر یعنی «نقصی که در اموال ایجاد شود یا منفعت مسلمی از دست برود یا به سلامت و حیثیت و عواطف شخص لطمه‌ای وارد شود.» (کاتوزیان، ۲۴۴: ش ۹۰).

مصادیق ضرر: الف. نقص در اعیان، ضرر محسوب می‌گردد؛ ب. مانع شدن از ایجاد منافی که زمینه به وجود آمدن آن مهیا بوده ضرر محسوب می‌گردد (حسینی مراغی، ۱۴۱۷ق: ج ۱: ۳۰۷). طبق دیدگاه فقها و حقوق‌دانان، بیان موضوع با قانون‌گذار و تشخیص مصادیق با عرف است؛ لذا عرف، متکفل مصادیق ضرر است. از تعریف ضرر، روشن شد عدم‌النفع از مصادیق ضرر محسوب می‌گردد. سبب فوت شدن منفعت نیز می‌توان ضرر شمرد. زمانی که از عین مشخصی منافی به تدریج برای مالک حاصل می‌شود، محروم کردن دیگران از این منافع محقق‌الحصول ضرر شمرده می‌شود (روحانی، بی‌تا: ج ۵، ۳۷۸). میان عدم‌النفع محقق و ضرر مسلم ارتباط است. ضرر مسلم را تعریف کرده‌اند: «ضرری که از جهت تخلف از تعهد به متعهدله وارد شود. در مثال آمده که کالایی که تاجر سفارش داده که به قیمت معین برایش خریداری شود و کالا را گران‌تر برای وی می‌خرند این ضرر مسلم است چون ضرر به علت تخلف از تعهد به وی رسیده. اینجا ضرر به معنای عدم‌النفع است.» (لنگرودی، ۱۳۸۲: ۴۱۶). تفسیر رابطه دو مفهوم من وجه است. بنابراین ممکن است دو مفهوم در مصادیقی جمع گردد یا هر مصداق یکی از مفاهیم را شامل گردد.

ضرر حال و آینده: گاهی ضرر بالفعل محقق می‌گردد و گاهی منشأ ضرر ابتدا و ایجاد ضرر در آینده محقق می‌گردد. «ضرر آینده» وقوع ضرر در آینده قطعی است، اما زمانش آینده است؛ پس قابل مطالبه است. عدم‌النفع از قبیل ضرر آینده است (شهیدی، ۱۴۰۳: ۷۳). طبق ماده ۵ ق.م.م خسارت ضرر آینده توسط قانون‌گذار پذیرفته شده. حال مسئله است که آیا از دست دادن شانس و فرصت سرمایه‌گذاری، ضرر محسوب می‌گردد؟ باید نسبت به هر موضوع جداگانه بررسی شود. نقش عرف نیز در گستره موضوع ضرر غیرقابل انکار است.

ضرر قطعی و محتمل: از تعریف استنباط شد ضرر محتمل احتمال تحقق و عدم آن مساوی است. عدم‌النفع اغلب از نوع خسارت احتمالی برآورد کردند.

ضرر مستقیم و غیرمستقیم: بسیاری مستقیم بودن ضرر را شرط تحقق مسئولیت مدنی می‌دانند، از ماده ۵۲۰ ق.آ.د.م از کلمه «بلاواسطه» نیز استنباط می‌گردد. به علاوه که قانون‌گذار در ماده ۴ آیین‌نامه اجرایی قانون بیمه اجباری وسایل نقلیه ضرر مستقیم را شرط کرده.

ضرر نوعی و شخصی: بدون شک اقتضای قاعده احترام مال مسلم و عرف و عقل و احادیث، حتی ضرر شخصی نیز میزان سنجش مسئولیت مدنی قرار می‌گیرد (انصاری، ۱۳۷۹: ۳۷۴؛ خوانساری، ۱۳۹۲: ۲۲۲).

شرایط ضرر قابل جبران: ۱. قابلیت جبران مال: طبق قاعده اتلاف «اگر شخص مالی را تلف کند، ضامن است.» (عاملی، بی‌تا: ۸: ۶۱۰). غالب خسارات عدم‌النفع، مالی است. در خسارات معنوی تردید است. با توجه به تفسیر مضیق قانون‌گذار از عدم‌النفع و اکتفا به قدر متیقن در موارد مشکوک، حکم به عدم امکان مطالبه خسارت معنوی در دادرسی مدنی می‌دهیم. البته قانون‌گذار در قانون آ.د.ک تغییر رویکرد داده. در مقام پاسخ به تغییر رویکرد باید گفت اولاً موضوع دادرسی حقوقی از کیفری متفاوت است؛ ثانیاً تفاوت جبران خسارت معنوی؛ که شامل جبران خسارت غیرمالی مانند عذرخواهی در روزنامه و... حسب ق.آ.د.ک می‌گردد. ۲. غیر متدارک بودن ضرر: ضرر ایجاد شده فقط یکبار باید جبران شود و دوبار جبران آن معنایی ندارد. نمونه‌اش در خسارت تأخیر تأدیه فرض می‌گردد که به وسیله خسارت تأخیر جبران شد و نیاز به جبران مجدد ندارد. ۳. قابل پیش‌بینی بودن ضرر: مسئولیت مدنی یا از قرارداد یا از الزامات خارج از قرارداد ناشی می‌گردد. شرط مذکور تنها در مسئولیت قراردادی است. وگرنه در فرض مسئولیت غیرقراردادی اغلب خود ضرر از قبل قابل فرض نبود. این شرط در بیان فقها (نجفی، بی‌تا: ۳۷، ۵۹؛ کرکی، ۱۴۰۹ق: ج ۶: ۲۰۶) نیز به چشم می‌خورد. ۴. شخصی بودن ضرر نه عمومی و غیرمحمصور بودن آن. ۵. مال بودن و ملکیت داشتن مورد ضرر. ۶. استناد مال مورد ضرر به غیر: بر اساس قاعده اتلاف. ۷. مشروع بودن مطالبه ضرر. طبق ماده ۱ ق.م.م باید مطالبه زیان از لطمه به حق ناشی شده که حق قانونی فرد است.

۳-۳-۱. شرایط مطالبه خسارت

مسلم و قطعی بودن ضرر: زمانی که ورود خسارت مشکوک باشد امکان مطالبه وجود ندارد. از ماده ۵۲۰ ق.آ.د.م استنباط می‌گردد که ایجاد ضرر درگذشته می‌بایست مسلم باشد. لذا شامل احتمال بودن ورود خسارت، نمی‌گردد. منشأ شک در امکان مطالبه عدم‌النفع، به جهت شک در مسلم شمردن خسارت

است. به عقیده کاتوزیان در خسارت مسلم تفاوتی میان مال از دست رفته و منفعت تلف شده نیست. اگر خسارتی وارد گردد و به نظر قاضی وضعیت کنونی در آینده قطعی باشد، خسارت شمرده می‌گردد. دیدگاه کاتوزیان در آرای از دادگاه‌های فرانسه مشهود است. مانند شعبه مدنی دیوان کشور فرانسه، ۱۳ مارس ۱۹۶۷ (دالوز ۱۹۶۷: ۵۹۱؛ کاتوزیان، بی‌تا: ۲۷۸).

مستقیم بودن ضرر: شرط مذکور در ماده ۵۲۰ آ.د.م. مصرح است: «در خصوص مطالبه خسارت وارده خواهان باید این جهت را ثابت نماید که زیان وارد بلاواسطه ناشی از عدم انجام تعهد یا تأخیر آن و یا عدم تسلیم خواسته بوده...» ضرر بلاواسطه از حیث تاریخی از طرفداران نظریه «سبب بی‌واسطه و نزدیک» از نظام حقوقی آلمان گرفته شده است (کاتوزیان، بی‌تا: ۲۳). کلمه بلاواسطه در ماده ۵۲۰ قانون آ.د.م. به علت تحقق سببیت آن شرط شده. استناد عرفی به فعل شخص مستلزم و نیازمند مستقیم و بی‌واسطه بودن ضرر است والا استناد محقق نیست (صفایی و رحیمی، ۱۴۰۴: ۱۰۶، ش ۶۵)، بنابراین، رابطه‌ای مستقیم بین عمل زیانبار و ضرر ایجاد شده لازم است (صفایی و رحیمی، ۱۴۰۴: ۴۹). پس ضرر با واسطه قابل مطالبه نیست (مازو تنک، بی‌تا: ش ۱۶۷۲-۱۶۷۹).

وجود رابطه سببیت: این شرط از ماده ۵۲۰ آ.د.م. استنباط می‌گردد. سببیت یعنی آن ضرر به تنهایی، قابلیت ایجاد خسارت داشته باشد؛ به گونه‌ای که اگر این عمل نبود، آن خسارت به‌عنوان مسبب ایجاد نمی‌شد. (سلطانی نژاد، ۱۳۹۵: ۵۶) قاعده تسبیب در ماده ۳۳۱ قانون مدنی منعکس است.^۱

۱-۳-۴. شرایط اقامه دعوا

قواعد عام، مانند قاعده تحمل بار اثبات دلیل در اینجا نیز جاری است، لذا دادرس وظیفه‌ای ندارد که بدون درخواست مدعی امر به کارشناسی ارجاع دهد. در نتیجه در مرحله اول مطالبه طبق ماده ۲ آ.د.م. لازم است. در مرحله بعد اثبات ورود خسارت و ضرر و اثبات جمع بودن ارکان خسارت برعهده مدعی است. در تمیز مدعی از منکر نیز قواعد مربوطه جاری است (کاتوزیان، ۱۳۹۹، ج ۱: ۶۴-۶۵).

۲: تحلیل مقررات حقوق ایران در زمینه خسارت عدم‌النفع

۲-۱. عدم‌النفع در مقررات قانون آیین دادرسی

ماده ۵۱۵ ق.آ.د.م. بعد از امکان مطالبه خسارات ناشی از اتلاف یا تسبیب، حکم به عدم امکان مطالبه عدم‌النفع کرده. در ماده ۵۲۰ شرط مطالبه خسارت را بلاواسطه بودن آن دانسته. تعارضات موجود در این

۱. ماده ۳۳۱ قانون مدنی: هرکس سبب تلف مالی بشود باید مثل یا قیمت آن را بدهد...

میان ابتدا تعارض صدر با تبصره ماده ۵۱۵ است که ابتدا خسارات ناشی از اتلاف و تسبیب را قابل مطالبه دانسته، اما سپس عدم‌النفع را غیرقابل مطالبه دانسته درحالی که تسبیب و اتلاف درمورد آن صادق است. تعارض دیگر تبصره ۵۱۵ با ۵۲۰ است، زیرا ممکن است عدم‌النفع مستقیم باشد.

بین فقها و حقوق‌دانان سه دیدگاه نسبت به عدم‌النفع وجود دارد. برخی مانند سیستمی عدم‌النفع را به‌هیچ‌وجه ضرر نمی‌دانند (حسینی سیستمی، ۱۳۸۸: ۲۲۳-۲۹۱). برخی مانند قانون‌گذار آ.د.م عدم‌النفع را ضرر دانسته، اما آن را قابل مطالبه نمی‌دانند. برخی نیز با تفسیر عام از مبانی، هر نوع عدم‌النفعی را که ضرر صدق بکند قابل مطالبه می‌دانند. قانون‌گذار در قانون آ.د.م م ۵۱۵، از دیدگاه دوم پیروی کرده. در مفهوم عدم‌النفع شبهه مفهومی وجود دارد؛ زیرا در گستره شمولیت موضوع اختلاف است. شبهه مصداقیه آن با تطبیق اصول حل خواهد شد.

دو نوع خسارت عدم‌النفع متصور است: یکی ناشی از نقض قرارداد و دیگری ناشی از الزامات خارج از قرارداد. اغلب مصداق عدم‌النفع، از نوع غیرقراردادی هستند. البته در خسارت قرارداد، اگر وجه التزام مشخص شده، همان مبلغ ملاک عمل خواهد بود. طبق نص برخی مواد از جمله ماده ۲۶۷ و تبصره ۲ ماده ۵۱۵، خسارت عدم‌النفع را قابل مطالبه ندانسته. اما این مقرر به‌طور واضح با ملاک ماده ۵۲۰ قانون آ.د.م فعلی-همان ماده ۷۲۸ قانون آ.د.م سابق- تعارض دارد.

صدر ماده ۵۱۵ قانون آ.د.م حکم عام دارد و تبصره ۲ می‌تواند در ظاهر، مقید یا مخصص آن تلقی شود. بنابراین این پژوهش سعی در اثبات این دارد که تخصیص، ناظر به عدم‌النفع احتمالی است، نه عدم‌النفع مسلم و عرفاً قابل اتلاف.

ماده ۵۲۰ عدم‌النفع را از موجبات خسارت دانسته. البته تحقق آن با جمع شرایط است. این تعارض قانون‌گذار اگر غفلت تفسیر نگردد، از چند جهت قابل جمع است. وجه جمع اول که حمل مواد ۲۶۷ و تبصره ۲ ماده ۵۱۵ بر مطلق عدم‌النفع و انصراف به عدم‌النفع در صورت عدم جمع شرایط. از مؤیداتی که دیدگاه مذکور را تقویت می‌کند، کارکرد نظم عمومی در سطح جامعه هست. قانون آیین دادرسی مدنی، قانون شکلی است و نظم عمومی از مقاصد تقنینی آن است. اگر قانون‌گذار عدم‌النفع را محدود به قیود نمی‌کرد، احتمال سوءاستفاده بود. زمانی که بدون توجه به ارکان و شرایط ایجاد خسارت عدم‌النفع و مطالبه آن، بابت هر نوع عدم‌النفعی طرح شکایت می‌شد و موجب اخلال در نظم عمومی و محاکم و ورود حجم عظیمی از پرونده‌ها به محاکم می‌گردید. دلیل تضعیف دیدگاه، منطوق بودن موارد عدم امکان مطالبه خسارت عدم‌النفع در ۲۶۷ و ۵۱۵ و مفهوم بودن امکان مطالبه خسارت عدم‌النفع در ۵۲۰ است؛

مفهوم مقابله با منطوق را ندارد لذا مفهوم به وسیله منطوق بی اعتبار می گردد. در پاسخ به این دلیل می توان چنین استدلال کرد: جمع مقدمات حکمت در مواد منطوق کامل نیست. اینکه قانون گذار در مواد ۲۶۷ و ۵۱۵ قصد بیان عدم احتساب عدم النفع به عنوان خسارت قابل نیست. لذا تمسک به اطلاق ماده برای شمول انواع عدم النفع اینجا محقق نیست. مهم ترین دلایل نگارنده علاوه بر اماراتی مانند ماده ۵۲۰ و خلاف عقل و عرف بودن اطلاق گیری فوق، عدم دقت کافی قانون گذار ۱۳۷۹ در تدوین این قانون را در موارد مشابه می توان بیان کرد (حسن زاده، ۱۴۰۳: ۲۵-۱۸۹). همچنین در ماده ۵۲۰ عنوان مفهوم گیری درست نیست، زیرا مفهوم مصطح به مفهوم مخالف انصراف دارد و در ماده ۵۲۰ با هیچ کدام از مفاهیم مخالف اصولی - وصف، شرط، عدد، غایت، لقب - تطبیق ندارد.

مسئله در مفهوم موافق است، اما مفهوم موافق نه تنها دلالت کمتری بر شمول حکم بر موضوع ندارد بلکه به علت مناط اقوی، دلالت بیشتری بر حمل حکم بر موضوع غیر مصرح دارای مناط اقوی، می کند (شریعتی و قافی، ۱۳۹۸: ج ۱: ۱۵۱). در مطالبه خسارت، بعد از جمع ارکان مسئولیت مدنی و خسارت، عدم امکان مطالبه آن با توجه به اصل جبران کامل خسارت و پذیرش ضرر آینده در ماده ۵ ق.م.م، عدم امکان مطالبه عدم النفع قابل دفاع نیست. احتساب دین طبیعی^۱ نیز عقلانی نیست، زیرا اصل بر آن است که دیون حقوقی هستند و طبیعی بودن دین نیاز به تصریح دارد حال آنکه تصریحی نیست. لذا بعد از ثبوت مسئولیت، در فرض دین و لزوم جبران خسارت شک می گردد که اصل استصحاب جاری می گردد. فحوای این اصل و قاعده در ماده ۱۹۸ قانون آیین دادرسی مدنی وجود دارد.

اگر عدم النفعی وجود داشته باشد که اولاً عرفاً ضرر شمرده شود؛ ثانیاً مستقیم باشد؛ ثالثاً مقتضی حصول آن کامل باشد؛ رابعاً رابطه سببیت میان فعل خواننده و فوت منفعت احراز شود، منع تبصره ۲ ماده ۵۱۵ باید به عدم النفع احتمالی و غیر محرز منصرف دانسته شود.

برای درک رویکرد تقنینی، به عدم النفع در دادگاه کیفری نیز می بایست مرور گردد. علت، تفکیک خسارت در محاکم حقوقی و کیفری است. برخی خسارت های کیفری از حیث مادی ارزش گذاری شده. موضوع خسارت معنوی مصرح در ماده ۱۴ ق.آ.د. ک ۱۳۹۲، ضرر و زیان مادی و معنوی و منافع ممکن الحصول ناشی از وقوع جرم را شامل می گردد. در تبصره ۲ آن، بین منافع ممکن الحصول و صدق اتلاف ملازمه ایجاد کرده. در نتیجه روشن می گردد که صدق اتلاف در تشخیص عدم النفع دخالت دارد. در

۱. دیون غیر قابل مطالبه

اینکه خسارت معنوی، قابل تقویم به پول است یا خیر دو نظر است. در دادرسی مدنی این نظر رد شده و در دادرسی کیفری مصوب قانون جدید، به شرط صدق اتلاف ممکن است. بنابراین بدو امر، خسارت عدم النفع در دادرسی کیفری قابل مطالبه و دادرسی مدنی غیر قابل مطالبه است.

در مقام رفع تعارض، برخی اساتید (ناجی زواره، ۱۴۰۴: ۴۷۴) نهی قانون. آ.د.م را خسارت ناشی از قرارداد کتبی یا شفاهی دانستند، در حالی که وسعت مطالبه خسارت ماده ۱۴ ق.آ.د.ک را خسارت خارج از قرارداد (ضمان قهری) عنوان کردند. در مقام اشکال باید گفت صاحب نظران مذکور از تبصره ۲ ماده ۵۱۵ قانون آ.د.م خروج موضوعی کردند. از سویی عدم النفع و منافع ممکن الحصول با صدق تلف، طبق نص ماده ۱۴ ق.آ.د.ک قابل مطالبه هست. وجه جمع دیگری که متصور است نسخ قانون آ.د.م توسط قانون مؤخر ۱۳۹۲ آ.د.ک است. اشکال تفاوت موضوع آن دو، متوجه آن است. مطالبه ضرر و زیان ناشی از جرم مستلزم رعایت تشریفات آیین دادرسی مدنی است (صالح احمدی، ۱۳۹۹: ۹۵۲). در نتیجه استنباط می‌گردد در حقوق معاصر عدم النفع مفهوم گسترده‌ای دارد، اما عدم النفع در تبصره ۲ ماده ۵۱۵ قانون آ.د.م که از مطالبه خسارت عدم النفع منع می‌کند ناظر به معنای **خاص** آن است که در نظام حقوق انگلیس تعبیر به «خسارت محض اقتصادی» شده (صفایی و رحیمی، ۱۴۰۴: ۱۱۹). مسئله دیگری در قرارداد عدم مسئولیت در خسارات است. دو دیدگاه درباره نفوذ آن مطرح است: مشهور آن را طبق ماده ۱۰ ق.م و اصل حاکمیت اراده نافذ می‌شمرند، البته با رعایت استثنائات مانند خسارات عمدی و در مقابل عده‌ای از حقوق دانان با استناد به قانون فرانسه آن را مخل نظم عمومی می‌دانند.

۲-۲: بررسی مصادیق عدم النفع در دادرسی مدنی

در ماده ۵۱۵ قانون آیین دادرسی مدنی، خسارات قابل مطالبه را تبیین کرده است. که به‌طور خاص در برخی مواد دیگر بررسی شده.

الف. خسارت هزینه دادرسی و حق الوکاله وکیل دادگستری: بعد از بیان خسارات در ماده ۵۱۵ آ.د.م که یکی از آن موارد را خسارات هزینه دادرسی بیان کرده بود، در ماده ۵۱۹ آ.د.م تعریف خسارات هزینه دادرسی را بیان نموده. همچنین در ماده ۵۰۲ آ.د.م هزینه‌های دادرسی تعریف شده که عبارت است از هزینه برگ‌هایی که به دادگاه تقدیم شده و هزینه قرارها و احکام است. «هزینه برگ‌های دادگاه که موضوع بند ۱ ماده ۵۰۱ آ.د.م است، اعم است از هزینه دادخواست‌ها و هزینه وکالت‌نامه و برگ‌های اجرایی و نیز هزینه تطبیق و رونوشت یا تصویر اسناد با اصل آن‌ها است.» (نوبخت، بی‌تا: ۵۶۵). دیگر هزینه‌های

دادرسی، حق الزحمه کارشناسی، هزینه اجرای قرارهای معاینه محل و تحقیق محلی، هزینه‌های ایاب و ذهاب، گواهان، هزینه نشر آگهی در روزنامه و یا حتی هزینه‌هایی که شهود مطالبه می‌کنند است (زراعت، بی تا: ۱۰۳۳). البته طبق ماده ۲۰ مستقیم بودن ضرر شرط است.

ب. عدم‌النفع تأخیر تأدیه (خسارت دیرکرد): در تبصره ۲ ماده ۵۱۵ خسارت عدم‌النفع و خسارت تأخیر تأدیه را تفکیک کرده است. علی‌رغم مشابهت‌هایی که بین این دو خسارت وجود دارد، تفکیک این دو مورد از دیدگاه قانون‌گذار خالی از علت نیست. گرچه از حیث ماهوی بررسی این دو خسارت منشأ واحدی دارند و با دقت نظر در خسارت تأخیر تأدیه روشن می‌گردد که آن نیز از جهتی به دلیل عدم‌النفع بودن آن قابل مطالبه است، اما تفکیک و امکان مطالبه برای خسارت تأخیر و عدم امکان مطالبه برای عدم‌النفع قابل تأمل است. به نظر می‌رسد قانون‌گذار قصد ضابطه بخشی به عدم‌النفع را دارد. خسارت تأخیر تأدیه که خسارتی قطعی الحصول و مستقیم و ضرر محقق است و از مصادیق عدم‌النفع است را به‌عنوان نمونه‌ای از خسارت عدم‌النفع قابل مطالبه می‌داند. به عبارت دیگر تبصره ۲ ذکر خاص بعد عام است و استثنای متصل تفسیر می‌گردد. لذا هر عدم نفعی قابل مطالبه نیست اما عدم‌النفعی که مطابق قواعد و ضوابط باشد و دارای ملاک‌های مطالبه باشد از دیدگاه قانون‌گذار قابل وصول است.

ج. عدم‌النفع کارگر و اجیر و سرمایه‌گذاری و فوت منفعت: در عدم‌النفع شبهه مفهومیه وجود دارد. اما در شبهه مصداق آن با تحلیل پژوهش، می‌توان معیار و ضابطه‌ای برای آن مشخص کرد. معیارهای تحقیق یعنی مستقیم بودن ضرر، رابطه استناد، حصول سببیت، ضرر قطعی الحصول و متعارف، سبب تحقق ضرر در عدم‌النفع است. در نتیجه می‌بایست حکم به لزوم جبران و امکان مطالبه کرد. در ضرر شمردن خسارت آینده در موارد احتمالی، بسته به هر موضوع خاص تحلیل می‌گردد. یکی از مؤلفه‌ها دخالت عرف در ضرر دانستن آن موضوع است. در مورد کارگر باید به ملاک مسلم بودن ضرر تمسک کرد. لذا اگر کارگر رابطه قراردادی با کارفرما داشت و ضرری ایجاد شد که مانع کار وی شد، عرفاً عدم‌النفع محقق است. رویه نیز بر حکم مذکور صحه گذاشته. اگر رابطه قراردادی نباشد عدم‌النفع را خسارت مسلم و قطعی محسوب نمی‌کنند. فوت فرصت مفهومی متفاوت از عدم‌النفع است. در صورت ادعای فرد در قصد سرمایه‌گذاری سودآور ملاک ضرر شمردن از دست رفتن فرصت است. اگر ارکان مسئولیت کامل محسوب گردد باید حکم به ضمان کرد. در این زمینه در حقوق و فقه نص صریحی وجود ندارد، اما کاتوزیان با رعایت تعدیلات و حفظ تعادل این مورد را به‌طور ضمنی پذیرفته است. بنابراین فرصت از دست رفته بنا بر عرف ضرر تلقی می‌گردد. در اغلب نظام‌های حقوقی، ضرر فوق پذیرفته شده است.

د. عدم‌النفع تأخیر انجام تعهد یا عدم انجام تعهد: طبق این مورد فرد از بابت انجام تعهد قراردادی، متعهدله را از منفعتی که قرار بود به وی برسد محروم کرده است.

و. عدم‌النفع ناشی از جرم و شبه جرم: ارتکاب جرم موجب دو اثر است: ۱. اثر جزایی؛ ۲. اثر حقوقی. گفته شد که طبق ماده ۱۴ ق.آ.د.ک اثر حقوقی کلیه خساراتی که بر مجنی‌علیه وارد شده باید جبران شود.

ه. عدم‌النفع ناشی از ضمان قهری: اگر به واسطه ضمان قهری منفعت مسلم از افراد فوت شود، طبق قاعده شخص ضامن است. لذا ادله اتلاف شامل این مورد می‌گردد. مصادیق دیگر عدم‌النفع مانند صدمه به تمامیت جسمی و غصب، عدم‌النفع، عدم افزایش دارایی مثبت (عدم امکان کسب درآمد)، موضوع مستقلی است.

۲-۳. تحلیل عدم‌النفع در حقوق «مصر»

در حقوق مصر، مفهوم عدم‌النفع ذیل تلف منفعت آمده و مطالبه آن به‌عنوان مصداقی از خسارت، مفروض دانسته شده است. البته جمع شرایط نیز لازم است. در حقوق مصر گرایش به یکسان‌سازی در ارزیابی خسارت عدم‌النفع وجود دارد. به بیانی، خسارت عدم‌النفع به‌واسطه معیار «انسان متعارف» و با استناد به پرونده‌های مشابه گذشته مورد ارزیابی قرار می‌گیرد، بی‌آنکه ویژگی‌های فردی زیان‌دیده مورد توجه قرار گیرند. یکی از نمونه‌های این رویکرد، غرامت قربانیان حادثه‌ای به مبلغ ثابتی به ارزش ۲۵۰۰۰۰۰ دلار برای قربانیان تعیین شد (Avraham, 2017: 11). ایراد اصلی این روش آن است که ویژگی‌های شخصی زیان‌دیده که نقش مستقیم و تعیین‌کننده‌ای در شدت خسارت عدم‌النفع دارند، نادیده گرفته می‌شوند. هرچند هدف جبران خسارت عدم‌النفع، تسکین روانی زیان‌دیده می‌باشد، اما این تسکین به‌طور طبیعی تحت تأثیر شرایط خاص هر فرد قرار دارد (میرشکاری و حسینی، ۱۴۰۲: ۳۵۸). رویکرد مذکور در خسارات معنوی ملاحظه شده.

این رویکردی در نظام حقوقی کشورهای مصر تحت عنوان «جبران خسارت جزایی» شناخته می‌شود. در این روش، قاضی یا کارشناس دادگاه مبلغی را به‌صورت تقریبی و بدون ارائه مبنای محاسباتی مشخص به‌عنوان جبران خسارت پیشنهاد می‌دهد. به‌طور معمول، این مبلغ بر اساس تجربه، عرف و ارزیابی کلی از شرایط پرونده تعیین می‌شود (عبدالرحمن منصور، ۲۰۲۲: ۹۹). در این شیوه، دادگاه برای تعیین میزان خسارت عدم‌النفع به نظر کارشناس متخصص استناد می‌کند، اما در عین حال، اختیار نهایی در تعیین مبلغ

همچنان در دست قاضی باقی می‌ماند؛ ماده ۲۲۱ قانون مدنی مصر نیز مؤید این امر است.

ماده ۲۲۱ تصریح می‌کند در صورتی که نحوه جبران خسارت در قرارداد یا بر اساس حکم قانونی به صورت مشخص تعیین نشده، تعیین میزان آن بر عهده دادگاه است. همچنین، ماده ۲۲۱ این قانون به صراحت اعلام می‌دارد که جبران خسارت شامل خسارت‌های عدم‌النفع نیز می‌شود. ضمن اینکه مطابق ماده ۱۷۰ قانون مدنی جدید مصر، قاضی میزان غرامت خسارت وارده به زیان‌دیده را بر اساس مفاد مواد ۲۲۱ و ۲۲۲ و با در نظر گرفتن شرایط پیرامونی ارزیابی خواهد کرد. یکی از نشانه‌های بارز گرایش رویه قضایی نقض مصر به همین رویکرد، آن چیزی است که در آرای متعدد این دادگاه منعکس شده است. در این آرا تصریح می‌شود: «تعیین میزان غرامت از جمله مسائل واقعی است که قاضی رسیدگی‌کننده به پرونده در آن استقلال دارد، به شرط آنکه عناصر تشکیل‌دهنده آن را به روشنی بیان کند». همچنین دیوان عالی مصر در یک رأی خاطرنشان می‌سازد: «تعیین غرامت به میزان ضرر، از اختیارات قاضی رسیدگی‌کننده است، مادامی که قانون، معیارهای خاصی برای این امر معین نکرده باشد؛ به شرطی که این ارزیابی بر مبنای منطقی و قابل پذیرش باشد و مستند به عناصر ثابت در پرونده و دلایلی باشد که میان مبنای غرامت و علت الزام به پرداخت آن توازن برقرار کند» (عبدالرحمن منصور، ۲۰۲۲: ۵۸).

در ارکان خسارت عدم‌النفع، «رابطه سببیت» بین فعل و ضرر رکن مسئولیت محسوب شده است (سنهوری، ۱۹۹۸: ۸۷۲). لزوم سببیت، علاوه بر تقصیر است. رابطه آن دو من وجه است. همچنین لزوم رکن مستقیم بودن ضرر مورد تصریح حقوق‌دانان مصری است (سنهوری، ۱۹۹۸: ۹۰۸). «تقصیر زیان‌زننده»، دیگر رکن لازم است که از عدم لزوم دخالت قاهره استنباط می‌گردد (مرقس، ۱۹۵۸: ۱۷۴؛ سنهوری، ۱۹۹۸: ۹۰۷).

در رویه قضایی، در ۲۵ آوریل ۱۹۹۶، شعبه کیفری دیوان مصر، لزوم تقصیر (اعم عامدانه یا جاهلانیه با افرا یا تفریط) را اثبات می‌کند (شرافت پیمان، ۱۳۸۶: ۱۳۲). بنابراین رویه نیز خسارت عدم‌النفع را پذیرفته است. بنابراین رویه محاکم مصر متأثر از قانون مدنی این کشور به مطالبه خسارات اقتصادی و عدم‌النفع حکم می‌دهد.

در تحلیل تأثیر مسبب‌های مختلف عدم‌النفع، حقوق مصر، اصل اولی «استناد» قابل استنباط است (سنهوری، ۱۹۹۸: ۸۹۶)، بنابراین خسارت عدم‌النفع به هر فرد مستند باشد مسئول است (سنهوری، ۱۹۹۸: ۸۸۸). در ماده ۱۹۶ قانون مدنی مصر، اختیار قاضی را در تشخیص درصد مسئولیت گسترده دانسته. طبق ماده ۲۱۶ قاضی می‌تواند بر مبنای درجه تقصیر، تقسیم مسئولیت کند. بنابراین قاضی حتی می‌تواند با احراز

عدم سوء نیت وی حکم به برائت صادر کند. مقررهای که در حقوق ایران با جریان قاعده اتلاف ممکن نیست درست است که اصل اولی حقوق مصر، مسئولیت خسارت تساوی است، اما اصل عملی مذکور، با ملاک «استناد» تخصیص می‌خورد (سنه‌وری، ۱۹۹۸: ۹۰۰-۹۰۱). دیدگاه دیگر که در حقوق مصر تصریح شده، مسئولیت تضامنی افراد دخیل در ورود خسارت عدم‌النفع است (سنه‌وری، ۱۹۹۸: ۸۸۹). این رویکرد از آنجا که در حقوق ایران خلاف اصل است، نیاز به تصریح دارد که در عدم‌النفع نصی نیست.

در تشخیص نحوه جبران خسارت، درجه تأثیر تقصیر و خطای انجام شده مؤثر است (۱۷۰ قانون مدنی مصر). همچنین شمولیت جبران خسارت با ظهور و اطلاق تبصره ۲ ماده ۱۷۱ قانون مدنی مصر قابل استنباط است. ماده ۱۷۱ روش‌های جبران خسارت را علاوه بر پرداخت پول، اعاده وضع به حال سابق یا جبران عملی با رضایت زیان‌دیده می‌داند. تفسیر فقره اخیر در حقوق ایران عقد صلح تأویل می‌گردد. بنابراین اصل خسارت عدم‌النفع در حقوق مصر موجود است، اما مبنای آن با حقوق ایران متفاوت است. مبنای در حقوق ایران قاعده اتلاف است و نقش عرف تنها در تطبیق مصداق است. اما در حقوق مصر در حقوق مصر، معیار اصلی قانون مدنی، نتیجه طبیعی بودن ضرر، امکان اجتناب با تلاش معقول، قابلیت پیش‌بینی در مسئولیت قراردادی و اختیار قاضی در تعیین میزان خسارت است. عرف ممکن است در تشخیص این معیارها نقش داشته باشد. عرف نقش مستقیم و تصمیم‌گیرنده دارند. بنابراین، عدم‌النفع در نظام حقوقی دیگر نیز به‌عنوان خسارت و ضرر شناخته شده و قابل مطالبه است. با این حال مبانی دو کشور، فاصله چندانی ندارند. در مقایسه رویکرد مصر و ایران باید گفت مبانی دو نظام حقوقی نزدیک به یکدیگرند، اما رویه محاکم مصر منطبق با مبانی اما حقوق ایران از برخی مبانی فاصله گرفته است.

۲-۴. تحلیل رویه قضایی ایران در خسارت عدم‌النفع

با تتبع در آرا محاکم حقوقی ایران نتیجه به دست آمد که علی‌رغم تفکیک ماهوی بین اقسام عدم‌النفع و قابل مطالبه بودن، اما همواره در بخشی از رویه قضایی، حکم به رد دعوی داده شده. استثنای آن ماده ۹ قانون آ.د.ک است که در فرض ممکن الحصول بودن و ناشی از جرم بودن امکان استیفا دارد. برخی قضات فقط خسارت مستقیم را قابل مطالبه می‌داند، همچنین عدم‌النفع ممکن الحصول قابل مطالبه هست؛ در غیر این صورت قابل مطالبه نیست.

۲-۴-۱. آرای نافی مطالبه عدم النفع (رد مطلق)

در این آراء با استناد به تبصره ۲ ماده ۵۱۵ یا ماده ۲۶۷ ق.آ.د.م، مطالبه خسارت را رد کرده‌اند. نمونه قابل استناد، رأی است که دادگاه میان «عدم النفع» و «خسارت ناشی از عدم النفع» تفکیک را نپذیرفته و با استناد به تبصره ۲ ماده ۵۱۵ حکم به بی‌حقی خواهان داده است. در خسارت عدم النفع ناشی از تخلف قرارداد، الف. در (تاریخ ۱۳۹۱/۱۱/۲۱، ۹۱۰۹۹۷۰۲۲۳۵۰۱۳۰۶) رأی داد. بایع به دلیل عدم تخلیه مستأجر در موعد مقرر، ثمن را از مشتری در موعد نتوانست بگیرد و منافع ثمن در موعد مقرر باعث ایجاد خسارت عدم النفع به فرد شد. مستند قاضی به عدم امکان مطالبه خسارت تبصره ۲ ماده ۵۱۵ است که خسارت ناشی از عدم النفع قابل مطالبه نیست، اما تحلیل قاضی در عدم انطباق خسارت با صدر ماده ۵۱۵ و انطباق با تسبیب محل اشکال است.

ب. در رأی دیگر (تاریخ ۱۳۹۲/۰۹/۲۷، ۹۲۰۹۹۷۰۲۲۱۲۰۰۹۸۲) قاضی طبق نظر نگارنده، خسارت عدم النفع را قابل مطالبه دانسته، اما خسارت ناشی از عدم النفع را غیرقابل مطالبه شمرده است. تفکیک عدم النفع از خسارت عدم النفع به ظاهر ابداع قابل توجهی است. اما با دقت نظر، این تفکیک را این‌گونه می‌توان تفسیر کرد که این را به ضرر مستقیم و غیرمستقیم می‌توان تأویل برد. موضوع پرونده خسارت بابت خواب خودرو است که از شرکت آب و فاضلاب بابت ایجاد خسارت خواب خودرو شکایت کرده که قاضی اظهار داشت خسارت با واسطه از عدم النفع قابلیت مطالبه ندارد. تصمیم قاضی با مفهوم مخالفم ۵۲۰ منطبق است، اما با دیگر مواد مذکور، منطبق نیست.

۲-۴-۲. آرای متمایل به پذیرش در صورت خروج موضوعی از عدم النفع (پذیرش محدود)

(دادنامه ۱۳۵۹، تاریخ ۱۳۸۷/۱۲/۱۸، گلاسه ۱۱۰۹): در خسارت مرغداری از حیث عدم تمديد پروانه مرغداری توسط اداره مربوطه در مورد لزوم انتقال مرغداری به علت احداث راه آهن در آینده در نقطه نزدیک، خسارت به فرد وارد شده و از جهت خسارت عدم النفع مطالبه خسارت کرده و قاضی آن را رد و دلیل آن را، عدم ورود خسارت دانسته است. بنابراین مقتضی آن موجود نگردیده، خسارت عدم النفع نیز قابل مطالبه نیست. لازم دانستن مقتضی گرچه موافق احتیاط است، اما احراز آن با چالش مواجه است. رأی با توجه به ماده ۵ قانون مسئولیت مدنی باید بررسی شود.

۲-۴-۳. آرای تفکیک کننده میان عدم النفع احتمالی و منافع قابل اتلاف (خروج موضوعی)

از تحلیل آراء این دسته، ملاک‌هایی مانند مستقیم بودن، مسلم بودن، صدق اتلاف، یا رابطه سببیت در

پذیرش یا رد دعوا مؤثر دانسته شده.

الف. در (دادنامه ۱۳۸۵/۱۲۲۴۰/۸۹۰۹۹۷۵/۹/۲۷) می‌خوانیم: خسارت ناشی از حادثه رانندگی و کارافتادگی به مدت ۶ روز مصداق عدم‌النفع قرار نگرفت. دلیل رد این خسارت، غیرمستقیم بودن ضرر بود. به عبارتی غیرقابل پیش‌بینی بودن یا قطع رابطه سببیت بود که علت خروج از کارافتادگی از عدم‌النفع در نظر قاضی بود. در عدم‌النفع به عقیده برخی در مفهوم آن، شبهه مفهومی وجود دارد، بنابراین در حدود و صغور موضوع آن اتفاق نظری وجود ندارد.

ب. در پرونده مطروحه فرد مدعی است با احداث جاده توسط راه و شهرسازی تعداد مشتریان کم شده و خسارت عدم‌النفع مطالبه می‌کند. قاضی نیز به علت تفاوت عدم‌النفع محتمل الوقوع و مسلم الوقوع ادعای فرد را رد می‌کند (رأی شعبه چهار دادگاه عمومی قروه، کلاسه ۸۴۷. دادنامه شماره ۵۴۹، تاریخ ۱۳۹۳/۷/۲۳). رویکرد قاضی با توجه به مسلم بودن ضرر جای انتقاد دارد.

ج. در خسارت ناشی از محرومیت از منافع عین یک رأی به چشم می‌خورد (تاریخ ۱۳۹۱/۰۹/۲۲ به شماره ۹۱۰۹۹۷۰۲۲۰۶۰۱۱۰۱): در این رأی خسارت ناشی از محرومیت استیفا منافع ممکن الحصول به شرط انتساب به زیان زنده قابل مطالبه است. در پرونده که فرد خودرو دیگری را توقیف می‌کند، خواننده تقصیر وی محرز و با استناد به اتلاف و تسبیب خسارت خوابیدن باطری خودرو، ضمان قهری وی را ثابت دانسته و منافع تقویت شده اتومبیل را قابل مطالبه می‌داند و حکم صادر می‌کند. تصمیم بر لزوم احراز رابطه سببیت حسب موازین حقوقی صحیح است (سامانه ملی آرای قضایی، ara.jri.ac.ir).

نوع رأی	مبنای رد یا پذیرش	ماده استنادی	تحلیل انتقادی
رد مطلق	تبصره ۲ ماده ۵۱۵	ق.آ.د.م	قابل نقد به دلیل عدم تفکیک اقسام عدم‌النفع
پذیرش محدود	ماده ۵ قانون مسئولیت مدنی / صدق اتلاف	ق.م.م. / ق.آ.د.ک	قابل دفاع در منافع محقق
خروج موضوعی شمردن	خسارت جسمی، اجرت‌المثل، منافع عین	مسئولیت قواعد مدنی	دقت به عدم خلط با عدم‌النفع احتمالی

جدول ۱

درزمینه تحلیل و نقد رویه، رویه با استناد به نص تبصره ۲ ماده ۵۱۵ قانون آ.د.م حکم به رد غالب خسارت‌های عدم‌النفع می‌کند. در این میان اندک قضاتی در مقام انتفاع خسارت عدم‌النفع احتمالی و

غیرمستقیم، به‌طور ضمنی به تأیید خسارت عدم‌النفع مستقیم و یا قطعی پرداختند. در مقام اثبات خسارت عدم‌النفع نادرند دادرسانی که تفسیر مضیق از تبصره ۲ ماده ۵۱۵ قانون آ.د.م کرده و حکم به تأیید خسارت عدم‌النفع داده باشند. بر پایه تحلیل تحقیق، هرگاه یقین حاصل شود که مانع از ایجاد حقی متعارف شده، بی‌شک لازم است به خسارت شمردن آن و بالتبع به جبران خسارت حکم داد. همچنین عدم‌النفعی که مقتضی آن موجود باشد امکان مطالبه خسارت است، اما هرگاه مقتضی موجود نباشد بلااثر است. در مقابل رویه قضایی کیفری، این است که عدم‌النفع باید جبران شود. به‌طور مثال عدم‌النفع بازداشت فرد یا خسارت ناشی از کارافتادگی (رای اصراری ۶-۵/۴/۳۷۵/ara.jri.ac.ir).

نتیجه‌گیری

۱. عدم‌النفع به معنای سود احتمالی و موهوم قابل مطالبه نیست.
۲. تفویت منفعت مسلم، مستقیم و عرفاً قابل حصول، در صورت احراز رابطه سببیت و صدق اتلاف یا تسبیب، باید قابل جبران دانسته شود.
۳. تبصره ۲ ماده ۵۱۵ ق.آ.د.م بهتر است ناظر به عدم‌النفع احتمالی تفسیر شود، نه منافع مسلم و ممکن‌الحصولی که مقتضی آن‌ها کامل شده است.
۴. ماده ۱۴ ق.آ.د.ک نشان دهنده تغییر رویکرد تقنینی نسبت به منافع ممکن‌الحصول است، اما به دلیل تفاوت قلمرو دادرسی کیفری و مدنی، ناسخ مستقیم تبصره ۲ ماده ۵۱۵ ق.آ.د.م نیست. در مواد ۲۶۷ و تبصره ۲ ماده ۵۱۵ ق.آ.د.م به‌طور مطلق خسارت عدم‌النفع را غیرقابل مطالبه دانسته؛ اما در ماده ۱۴ ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲ در کیفری، به‌طور گسترده ممکن شمرده است. ماده ۱۴ ملاک «صدق اتلاف» را برای عدم‌النفع بیان کرده. در منع دادرسی مدنی مطالبه، مخصص متصلی وجود ندارد. این تزلزل در تقنین، تعارض منطوق مواد مذکور در ق.آ.د.م با مفهوم برخی دیگر از مواد همان قانون مانند ۵۲۰ را در پی دارد. ماده ۲۶۷ مؤید رویکرد احتیاطی قانون‌گذار نسبت به عدم‌النفع است؛ اما لزوماً دلیل مستقل بر منع مطلق همه اقسام عدم‌النفع در دعاوی مدنی نیست.
۵. در حقوق مصر، خسارت سود از دست رفته در ماده ۲۲۱ پذیرفته شده، اما مشروط به طبیعی و قابل پیش‌بینی بودن ضرر است. قانون مدنی مصر در مطالبه عدم‌النفع عواملی چون نتیجه طبیعی بودن ضرر، امکان اجتناب با تلاش معقول، قابلیت پیش‌بینی دخیل است.

۶. از یافته‌های تحقیق در امکان مطالبه عدم‌النفع، سه دیدگاه ضرر نشمردن عدم‌النفع، ضرر شمردن اما غیرقابل مطالبه بودن آن مانند قانون آ.د.م و قابلیت مطالبه به شرط صدق ضرر، استنباط شد. در فقه، ضمان منافع در مواردی مانند غضب، استیفای منفعت، اتلاف منفعت مال و برخی موارد منع اجیر، مبانی محکمی دارد؛ اما تعمیم آن به همه اقسام سود احتمالی، نیازمند احراز مالیت عرفی، حصول مقتضی، رابطه سببیت و صدق اتلاف یا تسبیب است. در نتیجه عدم‌النفع ضرر محسوب و قابل مطالبه است. مسلم، حصول عرفی ضرر و مستقیم بودن ضرر مهم‌ترین معیار امکان مطالبه خسارت شد که از م ۵۲۰ قابل استنباط است. مهم‌ترین تردید در امکان مطالبه، بجهت لزوم مسلم بودن خسارت است. بر اساس یافته تحقیق، در صورت جمع شروط مطالبه خسارت، منعی در مطالبه خسارت آینده به شرط وجود مقتضی نیست. ملاک جمع شروط ضرر قابل مطالبه است و مقتضی علت تامه نیست. احتساب عدم‌النفع ذیل خسارت مادی صحیح است.
۷. وجه جمع تعارضات قوانین: ۱. تفکیک خسارت قراردادی از الزامات خارج از قرارداد: برخی (ناجی زواره، ۱۴۰۴: ۴۷۴) نهی قانون آ.د.م را خسارت ناشی از قرارداد دانستند، در حالی که وسعت مطالبه خسارت ماده ۱۴ ق.آ.د.ک را خسارت خارج از قرارداد تفسیر کردند. دیدگاه مذکور باعث خروج موضوعی از تبصره ۲ ماده ۵۱۵ است؛ ۲. ضابطه‌دهی عدم‌النفع: در خسارت تأخیر تأدیه که قانون‌گذار آن را صحیح دانسته، به نظر می‌رسد قانون‌گذار قصد ضابطه‌مند کردن عدم‌النفع را داشته. به عبارتی خسارت تأخیر تأدیه که خسارتی قطعی الحصول و مستقیم و ضرر محقق است به‌عنوان نمونه‌ای از خسارت عدم‌النفع قابل مطالبه می‌داند. همچنین تبصره ۲ ذکر خاص بعد عام است و استثنای متصل است. لذا هر عدم نفعی قابل مطالبه نیست، اما عدم‌النفعی که ملاک‌های مطالبه را داشته باشد، قابل وصول است. همچنین طبق این وجه جمع، مواد ۲۶۷ و تبصره ۲ ماده ۵۱۵ ق.آ.د.م ناظر بر عدم مطالبه عدم‌النفع، انصراف دارد بر عدم جمع شرایط عدم‌النفع. منشأ انصراف کثرت مصادیق عدم‌النفع بدون جمع تمامی شرایط است؛ ۳. وجه جمع دیگری که متصور است نسخ قانون آ.د.م توسط قانون مؤخر ۱۳۹۲ آ.د.ک است. اشکال تفاوت موضوع باقیست. پس از تحلیل مسائل، دیدگاه دوم اثبات شد.
۸. راهکار اصلاحی مناسب، تصویب ماده‌ای تفسیری یا اصلاح تبصره ۲ ماده ۵۱۵ است تا میان عدم‌النفع احتمالی و منفعت مسلم تفکیک کند. بنابراین، ماده مکرر گستره ملاک تبصره ۲

ماده ۵۱۵ ق. آ.د.م به دور از ابهام، تبیین کند. همچنین لازم به تصریح نسخ تبصره ۲ ماده ۵۱۵ و ماده ۲۶۷ ق. آ.د.م است. همچنین صدور رأی وحدت رویه، بجهت تشتت آرا محاکم این امر به نظر لازم است.

فهرست منابع

قرآن کریم

- ابن منظور، جمال‌الدین محمد بن مکرم (۱۴۵۰ق). **لسان العرب**. چاپ اول، قم: نشر ادب حوزه.
- اصفهان‌ی، محمدحسین (۱۴۰۴ق). **الفصول الغرویه فی الاصول الفقیه**. قم: دارالاحیاء التراث امامی، حسن (۱۳۹۵). **حقوق مدنی**. چاپ چهارم، تهران: میزان.
- امامی، سید حسن (۱۳۵۲). **دوره حقوق مدنی**. تهران: انتشارات کتابفروشی اسلامیة.
- انصاری، مرتضی (۱۳۷۹). **کتاب المکاسب**. جلد ۱، چاپ اول، مؤسسه مطبوعات دینی.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۲). **تر مینولوژی حقوق**. چاپ سیزدهم، تهران: گنج دانش.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۹۴). **دایرةالمعارف حقوق دانشنامه حقوقی**. چاپ چهارم، تهران: گنج دانش.
- حر عاملی، محمدحسن (بی‌تا). **وسائل الشیعه**. اسلامیة.
- حسن‌زاده، مهدی (۱۴۰۳). **آیین دادرسی مدنی (انتقادی پیشنهادی)**. قم: انتشارات دانشگاه قم.
- حسینی سیستانی، علی (۱۳۸۸). **قاعده لا ضرر و لا ضرار**. قم: بی‌نا.
- حسینی مراغی، سید میر عبدالفتاح (۱۴۱۷ق). **الغناوین الفقیهیه**. الطبعة الاولى، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- داراب پور، مهرباب (۱۳۹۹). **مسئولیت خارج از قرارداد**. چاپ اول، تهران: مجمع علمی و فرهنگی مجد.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۸۹). **لغتنامه دهخدا**، زیر نظر دکتر معین، چاپ چهارم، تهران: دانشگاه تهران.
- روحانی، سید محمد (بی‌تا). **منتقى الاصول**. تقریرات درس خارج آیت‌الله حکیم، بی‌نا.
- زراعت، عباس (بی‌تا). **محشای قانون آ.د.م**. چاپ دوم، انتشارات ققنوس.
- سلطانی نژاد، هدایت اله (۱۳۹۵). «بررسی تطبیقی ضابطه تشخیص خسارت غیرمستقیم قراردادی». **مجله مطالعات حقوقی**، دوره ۸، شماره ۳.
- سنهوری، عبدالرزاق احمد (۱۹۹۸). **الوسیط فی شرح القانون المدنی الجدید**. بیروت: منشورات الجلیه الحقوقیه.
- شرافت پیمان، محمدرضا (۱۳۸۶). **مفهوم سبب خارجی در مسئولیت مدنی**. پایان‌نامه دکتری حقوق خصوصی، دانشگاه تربیت مدرس، سال تحصیلی ۱۳۸۵-۱۳۸۶.
- شریعتی سعید و قافی، حسین (۱۳۹۸). **اصول فقه کاربردی**. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- شمس، عبدالله (۱۴۰۴). **دوره پیشرفته آیین دادرسی مدنی**. چاپ چهل و نهم، تهران: انتشارات میزان.
- شهیدی، مهدی (۱۴۰۳). **آثار قراردادها و تعهدات**. چاپ دوازدهم، تهران: مجمع علمی و فرهنگی مجد.
- صالح احمدی، سعید (۱۳۹۹). **قانون آیین دادرسی مدنی در نظم حقوقی کنونی**. چاپ دوم، تهران: انتشارات آوا.
- صفایی، سید حسین و رحیمی، حبیب‌الله (۱۴۰۴). **مسئولیت مدنی الزامات خارج از قرارداد**. چاپ بیستم، تهران: انتشارات سمت.
- عدل، مصطفی (۱۳۹۵). **حقوق مدنی**. چاپ دوم، تهران: نشر طه.

- فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ق). **العین**. قم: مؤسسه دارالهیجره.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۲). **دوره حقوق مدنی: قواعد عمومی قراردادها**. چاپ چهارم، تهران: گنج دانش.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۹). **اثبات و دلیل اثبات**. تهران: نشر میزان.
- کاتوزیان، ناصر (بی‌تا). **الزامات خارج از قرارداد ضمان قهری**. چاپ هشتم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- کرکی، علی بن حسین (۱۴۰۹ق). **جامع المقاصد فی شرح جامع القواعد**. چاپ اول، قم: مؤسسه آل‌البیت (ع).
- مازو تنک فرانسوی (بی‌تا). **رساله مسئولیت مدنی**. شماره ۱۶۷۲_۱۶۷۹، بی‌تا.
- مدنی، سید جلال‌الدین (بی‌تا). **دوره حقوق مدنی**. چاپ اول، تهران: انتشارات پایدار.
- مرقس، سلیمان (۱۹۵۴). **مخاطرات فی المسئولیه المدنیه فی التقنینات البلاد العربیه**. جلد اول، بی‌تا.
- معین، محمد (۱۳۸۴). **فرهنگ فارسی معین**. چاپ سوم، تهران: انتشارات سیگل.
- ناجی زواره، مرتضی (۱۴۰۴). **آشنایی با آیین دادرسی کیفری**. چاپ اول، تهران: نشر خرسندی.
- نائینی، محمدحسین و خوانساری، موسی (۱۳۹۲). **منیه الطالب فی شرح حاشیه المکاسب**. قم: نشر جامعه مدرسین.
- نجفی، محمدحسن (بی‌تا). **جواهرالکلام**. تحقیق: شیخ عباس قوچانی، چاپ هفتم، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.
- نویخت، یوسف (بی‌تا). **نگاهی به ق.ا.د.م**. چاپ اول، تهران: نشر راد نواندیش.
- سامانه ملی آرای قضایی <https://ara.jri.ac.ir>
- قانون مدنی مصر